



تحلیل فضایی برخی کاربری های خدماتی در شهر شیراز با رویکرد عدالت اجتماعی

شهرزاد فیروزه

1- دانشجوی مهندسی شهرسازی دانشگاه بجنورد، firuzeh.sh95@gmail.com

چکیده

توسعه پایدار شهری منوط به تحقق عدالت اجتماعی و تضمین کیفیت مناسب زندگی برای همه شهروندان است. شهر یک نظام توزیع نابرابر فضایی بوده و سیاست های مداخله ای برای بر هم زدن این نظم طبیعی ضروری است. اقدامات و فعالیت های مدیریت شهری، در قالب توزیع خدمات و امکانات در شهر، از جمله مداخلاتی است که می تواند به بازتوزیع درآمد و کاهش فاصله میان فقیر و غنی در شهر منجر شود. توزیع عادلانه امکانات در شهر، سبب افزایش کیفیت زندگی در شهر شده و در بلند مدت توسعه پایدار را به همراه خواهد داشت. در این تحقیق، برای سنجش میزان عدالت در توزیع خدمات و امکانات، با توجه به جمعیت محلات بررسی شده اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد مناطق خاصی نسبت به مناطق دیگر ضعیف ترند اما الگوی محرومیت در توزیع همه خدمات یکسان نیست.

واژه های کلیدی: عدالت اجتماعی، توسعه پایدار، کاربری های خدماتی، شهر شیراز



مقدمه

از مهم ترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه کالبدی شهرهای کشور در دهه های اخیر از هم پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهر بوده که زمینه ساز نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات شده است. خدمات عمومی شهری ساختار دهنده ی شکل و ماهیت کالبدی، اجتماعی و فضایی شهر است؛ لذا بی عدالتی در نحوه ی توزیع آن، تأثیر جبران ناپذیری بر ساختار، ماهیت شهر و جدایی گزینی طبقاتی محلات شهر گذاشته و مدیریت شهری را با چالش های جدی روبرو می کند. این مسئله به ویژه برای نهادهای عمومی و خدماتی مانند شهرداری شیراز حائز اهمیت است. نحوه مداخله این نهادها در بازتوزیع درآمد و ارائه خدمات می تواند به توازن بیشتر امکانات و کاهش فاصله طبقاتی منجر شود. بنابراین اگر هدف این سازمان ها کمک به تحقق اصل عدالت اجتماعی است، توزیع بهینه خدمات و امکانات باید به گونه ای هدایت شود که به نفع همه اقشار و گروه های اجتماعی جامعه بود، و در نتیجه عدالت اجتماعی و فضایی تحقق یابد. عدالت فضایی در شهرها بدان معناست که مکان زندگی هر فرد، وی را از استحقاق اجتماعی محروم نکند. دیوید هاروی عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها را تخصیص عادلانه منابع و امکانات شهری می داند که بتواند به گونهای هدایت شود که افراد با حداقل شکاف و اعتراض نسبت به حقوق خود مواجه باشند و نیازهای جمعیتی آن ها در ابعاد مختلف برآورده گردد. [1]

عدالت اجتماعی یکی از جنبه های مهم پایداری اجتماعی توسعه است. اقدامات توسعه ای اگر بدون توجه به اصول پایدار اتخاذ شوند، در بلند مدت به اتلاف منابع و افزایش شکاف فقیر و غنی در شهر منجر خواهند شد؛ لذا اصل عدالت اجتماعی به همراه ضرورت تأمین کیفیت زندگی مناسب باید اصل هادی توسعه در سیاست گذاری و مدیریت شهری باشد. تأمین نیازهای ضروری زندگی شهری به معنای تضمین کیفیت زندگی مطلوب برای همه ساکنان آن است. از این نظر می توان گفت بالاترین هدف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است. تضمین کیفیت زندگی و حرکت به سمت عدالت اجتماعی در شهر، تنها با توزیع خدمات و امکانات به نفع گروه های کم درآمد امکانپذیر است. در این پژوهش عملکرد شهرداری شیراز از نظر توزیع کاربری های خدماتی مورد بررسی قرار می گیرد.

اهداف پژوهش

بررسی نحوه توزیع کاربری های خدماتی در شهر شناسایی نقاط قوت و ضعف شهرداری شیراز در ارائه کاربری های خدماتی فراهم کردن اطلاعات تحلیلی جهت سیاست گذاری و برنامه ریزی در راستای عدالت اجتماعی

سوالات پژوهش

توزیع کاربری خدماتی در شهر شیراز چگونه است؟
آیا خدمات شهرداری شیراز در این حوزه ها به طور عادلانه ای توزیع شده است؟
دسترسی مردم شهر شیراز به این خدمات چگونه است؟

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش مطالعه اسنادی و تکنیک تحلیل ثانویه تهیه شده است. داده های این تحقیق عمدتاً از طرح جامع شهر شیراز، به دست آمده است. این آمارها بر اساس جمعیت مناطق، به صورت ارقام سرانه تبدیل شده و نهایتاً مقایسه شده است. در این تحقیق همه خدمات و امکانات شهرداری شیراز مورد بررسی قرار نگرفته و تنها برخی از کاربری های خدماتی لحاظ شده است که مقایسه آن بین مناطق معنادار باشد.



مبانی نظری

از مهمترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه کالبدی شهرهای کشور در دهه های اخیر از هم پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهر بوده که زمینه ساز نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات شده است [2]. تمرکز مراکز خدمات رسانی در یک مکان خاص، ضمن ایجاد مناطق دوقطبی و بالا و پایین در شهرها، هجوم جمعیت مصرف کننده به این مناطق را در پی دارد، به طوری که از یک سو، فشار زیست محیطی، ترافیکی، آلودگی ها اعم از صوتی، هوا و ... و از سوی دیگر به سبب جذب کاربری های مکمل و موازی، تشدید قطبی شدن فضایی در شهرها را به دنبال دارد، به گونه ای که شهرها با محیط های متراکم، نامطلوب و ناسازگار با توسعه پایدار مواجه خواهند شد. [3] متأسفانه تا به حال، توزیع خدمات شهری بیشتر در قالب طرح های کاربری اراضی و معیار سرانه کاربری مطالعه شده و به قابلیت دسترسی ساکنین از خدمات شهری کمتر اهمیت داده شده است؛ در حالی که یکی از عمده ترین عناصر ارتقاء دهنده ی کیفیت محیط شهری، توسعه ی شاخص های دسترسی است و دسترسی مطلوب، یک عامل ضروری برای توفیق پایداری محیط شهری تلقی می شود. [4] به همین سبب رویکرد توسعه پایدار شهری به عنوان چارچوب نظری این تحقیق در نظر گرفته شده و تاکید اصلی بر بعد اجتماعی آن خواهد بود.

توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار الگویی از تحولات اقتصادی، ساختاری و اجتماعی است که مزایای اقتصادی و دیگر مزایای اجتماعی زمان حاضر را بدون به خطر انداختن مزایای بالقوه آینده بهینه می کند. این نوع توسعه، فرایندی است که از طریق آن اعضای یک جامعه قابلیت های شخصی و نهادی خود را برای بسیج کردن منابع و مدیریت آن ها افزایش می دهند تا مطابق با آرمان های خود به اعتلای کیفیت زندگی با توزیعی عادلانه دست یابند. اگرچه مفهوم توسعه پایدار ابتدا با تاکید بر وجه زیست محیطی تعریف می شد، اما به تدریج زنان، فرهنگ، آموزش، علم، اخلاق، امنیت و مشارکت نیز به تحلیل پایداری اضافه شد. منظور از پایداری، امکانپذیری اجرای یک عمل در دراز مدت است، و بدون لحاظ کردن بسیاری از معیارهای تکمیلی، همان پایداری اقتصادی هم که مفهوم سازی های پیشین از توسعه بر آن تاکید می کردند،

ناممکن خواهد شد. مفهوم توسعه پایدار بر این تصور بنا شده است که در دراز مدت، درآمد یا رفاه را تنها در صورتی می توان حفظ کرد که ذخایر سرمایه ای سرمنشا آن کاهش نیابد. بنابراین مفهوم سرمایه هم در بحث توسعه پایدار دستخوش تحول می شود و انسان، گروه های اجتماعی، محیط زیست، فرهنگ و تاریخ را نیز شامل می شود. [5] بنابراین رویکرد توسعه پایدار با فراگذشتن از دوگانه اقتصاد و محیط زیست، تلاش می کند تا عناصر اجتماعی را نیز در بگیرد. نتیجه اینکه مفهوم پایداری، مفاهیم عدالت اجتماعی و توزیع برابر فرصتها، حفاظت از محیط زیست و اثربخشی اقتصادی را همزمان و بدون ترجیح یکی بر دیگری در بر دارد. بر همین اساس برای پایداری صورت های مختلفی وجود دارد که پایداری اجتماعی در اینجا مورد توجه است.

از نظر اجتماعی، توسعه ای پایدار خواهد بود که جوامعی همگن و همبسته ایجاد کند، در آن ساکنان عدالت و برابری را احساس کنند و شکاف های اجتماعی - اقتصادی کاهش یابد. [6] پایداری اجتماعی زمانی وجود دارد که تغییرات ناشی از اقدامات توسعه ای، باعث به هم ریختن امنیت اجتماعی، تخریب روابط اجتماعی سالم، ایجاد آسیب های اجتماعی، افزایش فاصله های طبقاتی، اثرات ناشی از به هم خوردن نظم اقتصادی در جهت نامطلوب و تبعیض علیه گروه های حاشیه ای و ضعیف نشود. [5]

راهکار رسیدن به این اهداف را لن دال شکل گیری زیرساخت های نرم می داند. این زیرساخت های نرم شامل خدمات عمومی مانند بهداشت، آموزش، خدمات اجتماعی، فضای سبز و اوقات فراغت و مانند آن و نیز ساختار غیررسمی جامعه، شبکه سازمان های داوطلبانه و روابط اجتماعی می باشند. [7]



عدالت اجتماعی در شهر

مفهوم عدالت اجتماعی اصولاً آن قدر فراگیر نیست که بتوان در قالب آن در مورد رفاه یک اجتماع داوری کرد. عدالت را اساساً می توان به عنوان اصلی در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع کاربرد این اصول خاص است. [9] در جهت رسیدن تمامی ساکنان شهرها به نیازهایشان به صورت یکسان، مبحث عدالت اجتماعی در فضای شهری به وجود می آید که بی توجهی به آن تبعات بسیار ناگواری، همچون حاشیه نشینی و تراکم بیش از حد یک منطقه، توسعه یک جانبه شهرها، خالی از سکنه شدن برخی از محدوده های شهری، بورس بازی زمین و ده ها مسئله و مشکل دیگر را در پی خواهد داشت. بنابراین، شناسایی آثار مقوله عدالت اجتماعی جزء اساسی مطالعات شهری محسوب شده و شهر زمانی شهر انسانی می شود که عدالت اجتماعی همه زوایای آن را بپوشاند [10]. به عدالت اجتماعی تا اندازه ای در شهرها حائز اهمیت است که در هر یک از شاخص های تعیین کننده شهرهای سالم، بستر مطالعات و نقش کلیدی را ایفا می کند [9] توزیع مناسب و بهینه امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در میان مناطق و نواحی، یکی از مهم ترین عوامل جلوگیری از نابرابری ها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین است.

در مباحث علمی توجه به اصل توزیع عادلانه امکانات و زیرساخت ها در بحث از توسعه متوازن برجسته شده است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، رشد سریع و نامتوازن موجب تشدید پراکندگی های منطقه ای و سطح توسعه نیافتگی بخش های مختلف جامعه شده است. در فرایند توسعه نامتوازن، مراکز رشد محدودی در جوار بخش ها و نواحی وسیع عقب مانده به وجود می آیند که به دلیل تفاوت های آن با سطح فن آوری و تخصص بومی، فاقد اثر انتشار لازم بوده و عملاً فرایند نامتوازن توسعه دائماً بازتولید می شود. مطالعات فراوان نشان می دهند که عدم توجه به اصول توسعه متوازن می تواند زمینه ساز بروز آسیب های اجتماعی متعدد در مناطق عقب مانده و کند شدن آهنگ رشد اقتصادی در کل جامعه باشد. فرایند توسعه نامتوازن می تواند به افزایش مهاجرت منجر شده و به دنبال خود مسائل و مشکلات فراوانی را به دنبال داشته باشد.

بنابراین، عدالت در شهر باید به دنبال تخصیص مناسب و متناسب امکانات و خدمات، استفاده از توان های بالقوه و بالفعل در شهر، از بین بردن شکاف بین فقیر و غنی در شهر و جلوگیری از به وجود آمدن زاغه های فقر باشد. در نتیجه، هرگونه برنامه ریزی شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق و هم در تخصیص آنها موثر باشد. از مهم ترین عوامل در برنامه ریزی شهری، استفاده از فضاها و توزیع مناسب و به عبارتی کامل تر عدالت فضایی است.

در این راستا، کاربری ها و خدمات شهری، از جمله عوامل موثر و مفیدند که با پاسخگویی به نیاز جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد، می توانند با برقراری عادلانه تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند. بنابراین، برهم خوردن توازن جمعیتی که مهم ترین ریشه های آن، مهاجرت های درون و برون شهری، تراکم بیش از حد کاربری ها در مناطق خاص هستند، می توانند فضاهای شهری را فضاهایی متناقض با عدالت از ابعاد اقتصادی و اجتماعی نمایند. [8] الگوی توزیع مراکز خدمات شهری باعث وجود ارزش متفاوت زمین شهری شده و به جدایی گزینی گروه های انسانی دامن زده است. بین نابرابری های فضایی و توزیع ناعادلانه خدمات و مشکلات زیست محیطی و کالبدی در سطح شهر همواره یک رابطه چرخشی وجود داشته که همدیگر را پشتیبانی کرده و در ادامه با رشد جمعیت و گسترش افقی و عمودی، شهر را به محیطی غیرقابل سکونت تبدیل می کند به طوری که بسیاری از مشکلات شهرهای امروز را می توان در توزیع ناعادلانه خدمات شهری در زمان دیروز آن ها ریشه یابی کرد. وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی در ساکنان نواحی مختلف یک شهر، به هیچ وجه پدیده ای جدید در هیچ یک از شهرهای جهان نیست، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت های اجتماعی - اقتصادی و نابرابری و عدم تعادل در خدمات شهری، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است. [10] زیرا ساختار فضایی یک شهر متشکل از اجزا و عناصری است که با یکدیگر در کنش متقابل هستند و ناپایداری هر کدام از این اجزا بر کل ساختار تأثیر خواهد گذاشت. [11] بنابراین سازمان فضایی متعادل در شهرها، نوعی از پایداری شهری است که این پایداری زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و



سازگاری منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در شهرها به وجود آید. توزیع خدمات در شهرها که نتیجه بارز جدایی گزینی بوم شناختی است بر توزیع فضایی جمعیت در مناطق و نواحی شهری تأثیر گذار بوده است.

مطالعه موردی: شهر شیراز

مطابق آخرین برداشت ها، کل مساحت شهر شیراز به 18623 هکتار بالغ می گردد که از این مقدار 63 درصد به سطوح ساخته شده و 37 درصد به سطوح ساخته نشده تعلق دارد.

خدمات آموزش عالی 3.47 درصد از مساحت شهر را دارا هستند حدود 87 درصد این اراضی در منطقه یک شهرداری واقع شده است.

پارک های تفریحی و طبیعی با دارا بودن 2.56 مساحت شهر عمدتاً در منطقه یک (23.45 درصد)، توسعه شمال غرب (27.67 درصد) و منطقه چهار (17.05 درصد) مستقر هستند

سطوح خدمات تجاری 1.16 درصد مساحت شهر را دارا هستند. از این سطوح 27.66 درصد در منطقه چهار، 21 درصد در منطقه هشت، 17 درصد در منطقه دو واقع شده است.

سطوح خدمات حمل و نقل 1.24 درصد از شهر را به خود اختصاص می دهند و توزیع آن ها 58.22 درصد در منطقه چهار و 8.21 درصد در منطقه هفت را نشان میدهد.

همچنین در سطوح آموزشی 22.2 درصد در منطقه دو، 17.49 درصد در منطقه یک و 15.07 درصد آن در منطقه سه واقع شده است.

سطوح بهداشتی درمانی نیز با سرانه 0.62 مترمربع نسبت به ضوابط کمبود نشان میدهد. 60.35 درصد این سطوح در منطقه یک و 17.81 درصد آنها در منطقه دو واقع شده است. [12]

به طور کلی بررسی سرانه های مربوط به کاربری های اساسی شهر نشان می دهد که علاوه بر آن که در مورد اغلب آن ها سطوح موجود نسبت به نیاز های جمعیت کمبود نشان می دهد از نظر نحوه پراکندگی نیز نامتعادل است. البته این عدم تعادل را تماماً نباید منفی ارزیابی نمود زیرا مقیاس عملکرد های شهری در مواردی تمرکز را موجب می شود.

نتیجه گیری

پذیرش این اصل، که توسعه پایدار مستلزم برقراری عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها است، بنابراین رفع نابرابری های اجتماعی، اقتصادی، کاهش آسیب پذیری اقشار کم درآمد، توزیع بهینه خدمات و امکانات، توجه به نیازهای اساسی شهروندان از جمله اموری هستند که بر اهمیت نگرش به توسعه پایدار می افزایند. روند شهری شدن جهان در کشورهای در حال توسعه، با عدم تعادل های خدماتی و پراکنش جمعیت و رشد بیقواره شهری مواجه بوده است؛ به طوری که ناپایداری حاصل از این رشد ناموزون، به شکل عدم تعادل های فضایی اجتماعی با نمودهای فقر شهری، اسکان و اشتغال غیررسمی، ضعف حاکمیت محلی و آلودگی های زیستی نمایان شده است.

این امر پایداری شهرها را هرچه بیشتر مورد سؤال قرار داده و توجه به دیدگاه ها و رهیافت های اصول توسعه پایدار را بیش از پیش ضروری ساخته است بنابراین، حرکت و رسیدن به پایداری شهرها، زمانی محقق خواهد شد که تخصیص و توزیع خدمات و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی شهرها مطابق با نیازهای جمعیتی و مساوات و برابری جغرافیای صورت بگیرد. در همین راستا، ارزیابی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در فضاهای شهری می تواند در سنجش میزان عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی شهروندان در چارچوب طرح ها و برنامه های عمرانی، اجتماعی و اقتصادی مفید واقع شود.



هدف این تحقیق نیز شناسایی نحوه توزیع کاربری های خدماتی در شهر شیراز و ارزیابی عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر شیراز بوده است. همان طور که نتایج تحقیق نشان می دهد، در توزیع کاربری خدماتی شهر، مناطق خاصی نسبت به مناطق دیگر ضعیف ترند اما الگوی محرومیت در توزیع همه خدمت یکسان نیست.

با توجه به موارد بالا می توان گفت اگر در جریان برنامه ریزی شهری، تعیین کاربری های مختلف طوری انجام گیرد که توزیع متوازن سرانه ها را با توجه به اصول صحیح مکان یابی مد نظر قرار دهد، تا حد زیادی به حصول عدالت اجتماعی مدد خواهد رساند. در غیر این صورت، توزیع کاربری می تواند به تقویت یک منطقه و تضعیف منطقه ای دیگر منجر گردد و حتی باعث کاهش قیمت اراضی در بخش هایی از شهر شود. عدم توجه به سرانه فضاهای مختلف از جمله فضاهای آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و ورزشی می تواند به افزایش شکاف طبقاتی در شهر و تشدید تفاوت مناطق شمال و جنوب شهر منجر شود. از سوی دیگر، توجه ویژه به مناطق فقیرنشین در ارائه خدمات و امکانات میتواند زمینه ساز خروج از فقر نسل های بعدی این اقشار را فراهم کند.

نتایج این تحقیق نشان می دهد، اقدامات شهرداری شیراز و نحوه تخصیص کاربری ها در راستای برقراری عدالت اجتماعی نسبتاً مطلوب بوده و می توان از نابرابری های موجود چشم پوشید و کماکان نیاز به جهت گیری بیشتر به سمت تقویت مناطق فقیرنشین مشاهده می شود.

مراجع

- [1] اطهاری، ک، عدالت در فضا، مجله هفت شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم، تهران، سازمان عمران و بهسازی شهری، 1381.
- [2] حاتمی نژاد، حسین و سهراب امیریان. محیط زیست و سیاست اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران، 1387.
- [3] خاکپور، ب، توانگر، م، توسعه پایدار و فضاهای سبز شهری، همایش جغرافیا و توسعه پایدار، دانشگاه آزاد شیروان، 1388.
- [4] رهنما، م، موانع، مشکلات و راهکارهای جهانی شدن شهرهای ایران، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، بهار و تابستان 1385.
- [5] فاضلی، م، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، تهران: جامعه شناسان، 1389.
- [6] شکویی، ح و کاظمی، س، مؤلفه های اجتماعی - اقتصادی توسعه پایدار شهری، پژوهش موردی قم، اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، دانشگاه تبریز، 1378.
- [7] خوش روی، ق، عدالت اجتماعی و فضای شهر، همایش ملی عمران شهری، 1385.
- [8] هاروی، د، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائری، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ دوم تهران، 1379.
- [9] شیخی، م، جامعه شناسی شهری، تهران: شرکت سهامی انتشار، 1381.
- [10] عبدی دانشپور، ز، تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مورد تهران، مجله صفا، سال نهم، شماره بیست و نهم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، 1378.
- [11] ساوج، م، جامعه شناسی شهری، ترجمه: ابوالقاسم پور رضا، تهران: انتشارات سمت 1387.
- [12] مطالعات طرح جامع شهر شیراز، 1388.